

متن پرسش

با سلام: استاد در موضوع تقوی و حس خوبی ها فکر می کردم، بطور مثال در مورد شجاعت و ترس، استاد اگر از شجاعت کامل تا ترس را طیفی از کم تا زیاد در نظر بگیریم، خب شخصی یا مقامی که در مرتبه بالای شجاعت قرار دارد، که آنرا حس می کند اما استاد سوالم این است که کسی که در مرتبه پایینی از شجاعت قرار دارد و به ترس نزدیک است، اگر به شجاعت فکر کند حالت مفهوم و تعریفی در ذهن است آیا این شخصی که به ترس نزدیکتر است و به نبودن و نیستی، باید بیشتر حالت نخواستن ترس را داشته باشد و با ترس نسبت بگیرد تا کم کم شجاعت خود را بنمایاند. استاد احساس می کنم در مورد خوبی ها من داشتن و مقدارش را برای خودم انتخاب نمی کنم بلکه باید در ابتدا با نور الهی بیشتر نخواستن بدی ها را روش کار کنم تا کم کم خوبی ها را در جانم حس کنم. گویی اینگونه داستان زندگی داستان عشق و ایثار کردن و ناز اصل خوبی ها را کشیدن است. نظر شما چیست؟ آیا این نحوه نگاه صحیح است؟ ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می آید روش خوبی است تا انسان با درک جایگاه و آثار بدی ها، راه هایی به سوی خوبی هایی در مقابل خود مدّ نظر قرار دهد به همان معنای «یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله». موفق باشید